



پلیس و استاندارهای حقوق شهروندی

مؤلف: دکتر محمد رضوی

(عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی)

سرشناسه	:	رضوی، محمد، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	پلیس و استانداردهای حقوق شهروندی / تألیف محمد رضوی.
مشخصات نشر	:	تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۳۷۲ ص.
شابک	:	۱۴۰.۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا 978-600-6647-29-6
موضوع	:	پلیس و اجتماع
موضوع	:	حقوق مدنی
شناسه افزوده	:	دانشگاه علوم انتظامی ناجا
رده بندی کتره	:	۱۳۹۱ ۸ پ ۶ ر HV ۸۹۳۵
رده بندی دیویی	:	۳۶۳/۲۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۹۶۳۳۹۰

پلیس و استانداردهای حقوق شهروندی

ناشر: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین

مؤلف: دکتر محمد رضوی

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: راه فردا

نشانی: تهران - ابتدای بزرگراه شهید خرازی - خیابان شهید جدی اردبیلی - دانشگاه

علوم انتظامی امین - تلفن ۴۸۹۳۱۲۹۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۲	پیش‌گفتار
۱۹	بخش یکم - مفاهیم و کلیات
۲۰	فصل یکم - مفهوم، تاریخچه و وظایف و اختیارات پلیس در رعایت استانداردهای حقوق شهروندی و چشم‌انداز آینده آن
۲۱	مبحث یکم - مفهوم انزری و اصطلاحی پلیس
۲۳	مبحث دوم - تاریخچه پلیس در ایران و جهان و چشم‌انداز آینده آن
۲۴	بند یکم - پلیس در دوران باستان و معاصر
۲۷	بند دوم - پلیس در جهان معاصر - چشم‌انداز آینده آن
۳۱	مبحث سوم - تقسیمات مختلف پلیس به اعتبار وظایف و اختیارات آن
۳۱	بند یکم - تقسیم بندی اول: پلیس عمومی و اختصاصی
۳۲	بند دوم - تقسیم بندی دوم: پلیس اداری و قضایی
۳۴	بند سوم - تقسیم بندی سوم: پلیس سنتی و پلیس مدرن (شهروند مدار)
۳۶	مبحث چهارم - استانداردهای حقوق شهروندی در فرایند وظایف و اختیارات پلیس
۳۶	گفتار یکم - استانداردهای حقوق شهروندی در فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۳۶	گفتار دوم - استانداردهای حقوق شهروندی در فرایند وظایف و اختیارات غیر قضایی پلیس
۳۶	گفتار سوم - اقسام تعهدات پلیس در الزام به رعایت استانداردهای حقوق شهروندی
۳۷	بند یکم - تعهدات از نوع تعهد به نتیجه
۳۸	بند دوم - تعهدات از نوع تعهد به وسیله
۳۹	فصل دوم - مفهوم، تاریخچه و تحولات شهروندی
۴۰	مبحث یکم - مفهوم شهروند و شهروندی
۴۰	بند یکم - مفهوم شهروند
۴۰	بند دوم - مفهوم شهروندی
۴۲	مبحث دوم - تاریخچه شهروندی
۴۲	بند یکم - شهروندی در یونان باستان
۴۴	بند دوم - شهروندی در دوران جدید
۴۹	فصل سوم - مفهوم، تاریخچه و مبانی حقوق شهروندی
۴۹	مبحث یکم - مفهوم حقوق شهروندی
۵۰	بند یکم - حقوق شهروندی در معنای عام
۵۲	بند دوم - حقوق شهروندی در معنای خاص
۵۲	مبحث دوم - تاریخچه حقوق شهروندی در اسلام و سایر مکاتب
۵۵	بند یکم - مبانی حقوق شهروندی در اسلام

۶۳	بند دوم - مبانی حقوق شهروندی در سایر مکاتب
۶۴	مبحث سوم - حقوق بشر و حقوق شهروندی
۶۴	بند یکم - مفهوم حقوق بشر
۶۶	بند دوم - تفاوت های حقوق شهروندی و حقوق بشر
۶۷	مبحث چهارم - جهانی شدن و آینده حقوق شهروندی
۷۱	فصل چهارم - منابع حقوق شهروندی
۷۲	مبحث یکم - منابع حقوق شهروندی در حقوق داخلی
۷۲	بندیکم - حقوق شهروندی در قانون اساسی
۷۴	بند دوم - حقوق شهروندی در قانونی مدنی
۷۴	بند سوم - حقوق شهروندی در قانون آیین دادرسی کیفری
۷۶	بند چهارم - حقوق شهروندی در قانون مجازات اسلامی
۷۶	بند پنجم - حقوق شهروندی در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران
۷۹	بند ششم - حقوق شهروندی در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۸۰	بند هفتم - حقوق شهروندی در فرمان هشت ماده ای حضرت امام خمینی (ره)
۸۱	مبحث دوم - حقوق شهروندی در ميثاق بين المللی
۸۵	بند یکم - حقوق شهروندی در اعلامیه جهانی حقوق بشر
۸۶	بند دوم - حقوق شهروندی در ميثاق بين المللی حقوق مدنی و سیاسی
۸۶	بند سوم - حقوق شهروندی در ميثاق بين المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی
۸۶	بند چهارم - حقوق شهروندی در کنوانسیون حقوق شهروندی و سیاسی
۸۷	بند پنجم - حقوق شهروندی در اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره)
۸۹	بخش دوم - استانداردهای حقوق شهروندی در راياند وظايف و اختيارات پلیس و سازوکارهای ناظر بر اجرای آن
۹۲	فصل یکم - استانداردهای حقوق شهروندی در فرایند پیشگیری انتظامی از جرم
۹۳	مبحث یکم - رویکردهای جدید پلیس در پیشگیری انتظامی از جرم
۹۴	مبحث دوم - استانداردهای حقوق شهروندی در فرایند پیشگیری انتظامی از جرم
۹۶	فصل دوم - استانداردهای حقوق شهروندی بزه دیدگان در فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۹۷	مبحث یکم - تعاریف و کلیات
۹۷	بند یکم - تعریف بزه دیده
۹۷	بند دوم - منشور بین المللی حقوق بزه دیدگان
۹۷	مبحث دوم - مصادیق استانداردهای حقوق شهروندی بزه دیده گان در فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۹۸	بندیکم - حق دسترسی سهل و آسان به پلیس و بهره مندی از حمایت و کمک رسانی آن
۱۰۰	بند دوم - حق بزه دیده بر کشف جرم و تحقیقات پلیسی در مدت زمان معقول
۱۰۰	بند سوم - حق تأمین امنیت
۱۰۱	بند چهارم - حق برخورداری از رفتار صحیح و غیر توهین آمیز

۱۰۳	بند پنجم - حق حفظ اسرار و اطلاعات شخصی
۱۰۳	بند ششم - حق اطلاع از محتویات پرونده
۱۰۴	بند هفتم - حق حفظ آثار و علائم جرم از سوی پلیس
۱۰۴	بند هشتم - حق ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیده
۱۰۵	بند نهم - حق آگاه‌سازی بزه‌دیده از حقوق خود
۱۰۶	بند دهم - حق فراهم کردن ساز و کارهای جبران
۱۰۶	بند یازدهم - حق داشتن وکیل
۱۰۶	بند دوازدهم - حق مشاوره بزه‌دیده
۱۰۷	بند سیزدهم - حق ترمیمی حقوق بزه‌دیده و بزه‌کار
۱۰۷	فصل سوم - استانی حقوق شهروندی متهم در فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۱۱۰	مبحث یکم - مفاهیم و نلیات
۱۱۰	گفتار یکم - مفهوم مرحله کشف جرم، تحقیقات پلیسی و جایگاه و اهمیت آن در فرایند دادرسی‌های کیفری
۱۱۰	بند اول - مفهوم استانداردهای حقوقی
۱۱۱	بند دوم - مفهوم فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۱۱۲	بند سوم - جایگاه و اهمیت مرحله کشف جرم و تحقیقات پلیسی در فرایند دادرسی‌های کیفری
۱۱۲	بند چهارم - هدف پلیس در فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۱۱۲	گفتار دوم - اصول کلی حاکم بر فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۱۱۲	بند یکم - حق رعایت اصل برائت کیفری و حقوق دفاعی
۱۱۹	بند دوم - حق رعایت کرامت انسانی شهروندان در فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۱۲۱	بند سوم - اصل قانونی بودن دلیل و تحصیل آن توسط پلیس در فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۱۲۴	بند چهارم - حق منع توسل به زور و اسلحه در فرایند کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۱۲۵	مبحث دوم - استانداردهای حقوق شهروندی متهم در مرحله احضار و جلب
۱۲۵	گفتار یکم - احضار متهم
۱۲۵	بند یکم - حق احضار شدن به شیوه قانونی
۱۲۷	بند دوم - حق آگاهی از دلیل احضار و نتیجه عدم حضور
۱۲۹	بند سوم - حق آگاهی متهم از نتیجه عدم حضور
۱۳۰	بند چهارم - حق آگاهی از همراه داشتن وکیل با قید در احضارنامه
۱۳۰	بند پنجم - حق منع تعرض به حیثیت اجتماعی احضار شونده در فرایند ابلاغ احضارنامه
۱۳۱	بند ششم - حق تحقیق فوری از متهم احضار شده
۱۳۱	بند هفتم - حق حفظ اسرار احضار شونده
۱۳۱	گفتار دوم - جلب متهم (ضمانت اجرای احضارنامه)
۱۳۲	بند یکم - مفهوم جلب متهم
۱۳۳	بند دوم - حق ممنوعیت جلب شخص بیمار تحت تعقیب
۱۳۳	بند سوم - حق جلب متهم به موجب برگ جلب و اطلاع از مضمون برگ جلب
۱۳۶	بند چهارم - حق جلب مجلوب فقط در آدرس قید شده در برگ جلب
۱۳۶	بند پنجم - حق جلب مجلوب در روز

۱۲۷	بند ششم - حق تحقیق فوری از متهم مجلوب
۱۲۷	بند هفتم - حق حضور فوری مجلوب نزد مقام قضایی
۱۲۷	بند هشتم - حق ممنوعیت ورود مأمور جلب به حریم خصوصی متهم با برگ جلب
۱۲۷	بند نهم - حق منع جلب شهود و مطلعان توسط پلیس
۱۲۷	مبحث سوم - استانداردهای حقوق شهروندی متهم در مرحله دستگیری و تحت نظر
۱۲۷	گفتار یکم - مفهوم شناسی « دستگیری و تحت نظر »
۱۲۷	بند یکم - مفهوم و شرایط قانونی دستگیری
۱۲۹	بند دوم - مفهوم و شرایط قانونی تحت نظر قرار گرفتن متهم
۱۴۱	گفتار دوم - حق رعایت اخلاقی و موازین اسلامی و کرامت انسانی متهم دستگیر و بازداشت شده
۱۴۴	گفتار سوم - حق رهایی از دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن غیر قانونی و خود سرانه
۱۴۶	بند یکم - حق رهایی از دستگیری غیر قانونی و خود سرانه
۱۴۷	بند دوم - حق رهایی از تحت نظر قرار گرفتن غیر قانونی و خود سرانه
۱۵۶	گفتار چهارم - حق نظم و ترتیب در جلسه دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن متهم
۱۵۷	گفتار پنجم - حق منع استفاده از زور و اسلحه در اجرای مأموریت دستگیری و بازداشت
۱۶۱	گفتار ششم - حق آگاهی از دلایل دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن متهم
۱۶۳	بند یکم - حق آگاهی از دلایل دستگیری
۱۶۵	بند دوم - حق تفهیم اتهام با آگاهی از علت تحت نظر قرار گرفتن
۱۶۶	گفتار هفتم - حق اعتراض به دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن متهم
۱۶۷	گفتار هشتم - حق حضور فوری و اعلام مطالب دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن متهم به مقام قضایی
۱۶۷	بند یکم - حق حضور فوری متهم دستگیر و تحت نظر قرار گرفتن نزد مقام قضایی
۱۷۲	بند دوم - حق اعلام مراتب دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن متهم به دادستان یا قاضی کشیک
۱۷۳	گفتار نهم - حق برقراری ارتباط فرد دستگیر و بازداشت شده با محیط خارج از تحت نظرگاه
۱۷۴	بند یکم - حق اطلاع و ملاقات خانواده متهم با فرد دستگیر و بازداشت شده
۱۷۵	بند دوم - حق دسترسی به پزشک
۱۷۶	بند سوم - حق آگاهی از داشتن وکیل و حق سکوت (هشدار میراندا)
۱۷۷	بند چهارم - حق اطلاع به وکیل و برخورداری از امکانات و تسهیلات لازم برای تدافعی
۱۷۹	گفتار دهم - حق مقاومت در برابر اقدامات غیر قانونی پلیس
۱۷۹	گفتار یازدهم - حق منع دخل و تصرف ناروا در اموال توقیفی فرد دستگیر و بازداشت شده
۱۸۱	گفتار دوازدهم - حق دریافت خسارت توسط دستگیر و بازداشت شدگان غیر قانونی
۱۸۳	مبحث چهارم - استانداردهای حقوق شهروندی متهم در مرحله تفتیش و بازرسی
۱۸۷	گفتار یکم - تعاریف و کلیات
۱۸۷	بند یکم - مفهوم بازرسی و اقسام آن
۱۸۸	بند دوم - حق مصونیت حریم خصوصی در فرمان هشت ماده ای امام خمینی (ره) در آذر سال ۱۳۶۱
۱۸۹	بند سوم - مفهوم حریم خصوصی و اقسام آن
۱۹۱	گفتار دوم - حق مصونیت حریم خصوصی جسمانی شهروندان (بازرسی بدنی)
۱۹۳	بند یکم - حق مصونیت بازرسی بدنی از روی لباس
۱۹۴	بند دوم - حق مصونیت تفتیش و بازرسی لباس

۱۹۵	بند سوم - حق مصونیت بازرسی و تفتیش داخلی بدن
۱۹۶	گفتار سوم - حق مصونیت حریم خصوصی منازل، اماکن و محل کار شهروندان
۱۹۸	بند یکم - حق مصونیت حریم خصوصی مسکن و سایر حریم‌های داخل حریم مسکن
۲۰۲	بند دوم - تشریفات ورود به حریم خصوصی منزل توسط ضابطان در جرایم مشهود و غیر مشهود
۲۰۵	بند سوم - تضمینات حق مصونیت حریم خصوصی منزل
۲۰۷	بند چهارم - حق مصونیت حریم خصوصی اماکن دولتی
۲۰۷	بند پنجم - حق مصونیت حریم خصوصی اماکن عمومی
۲۰۸	بند ششم - حق مصونیت حریم خصوصی محل کار
۲۰۸	گفتار چهارم - حق مصونیت حریم خصوصی اموال شهروندان
۲۰۹	بند یکم - حق مصونیت حریم خصوصی خودروی شهروندان
۲۱۷	بند دوم - حق مصونیت حریم خصوصی وسایل همراه شهروندان
۲۱۷	گفتار پنجم - حق مصونیت حریم خصوصی اطلاعات شهروندان
۲۱۸	گفتار ششم - حق مصونیت حریم خصوصی ارتباطات شهروندان
۲۱۹	بند یکم - حق مصونیت حریم خصوصی ارتباطات تلفنی و مراسلاتی شهروندان
۲۲۱	بند دوم - حق مصونیت حریم خصوصی ارتباطات اینترنتی شهروندان
۲۲۲	مبحث پنجم - استانداردهای حقوق شهروندی متهم در حله تحقیق و بازجویی
۲۲۴	گفتار یکم - تعاریف و کلیات
۲۲۴	بند اول - تعریف بازجویی
۲۲۴	بند دوم - مفهوم عام و خاص بازجویی
۲۲۴	بند سوم - هدف از بازجویی متهم
۲۲۴	بند چهارم - ضرورت و اهمیت و جایگاه بازجویی
۲۲۶	بند پنجم - مقام و مرجع ذیصلاح در بازجویی مقدماتی
۲۲۶	گفتار دوم - حق داشتن دلایل کافی برای بازجویی
۲۲۷	گفتار سوم - حق داشتن وقت و تسهیلات مناسب به منظور آمادگی برای دفاع و استناد وکیل خود
۲۲۷	گفتار چهارم - حق تفهیم اتهام و دلایل آن
۲۲۸	بند یکم - مفهوم تفهیم اتهام
۲۲۹	بند دوم - حق تفهیم فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام به زبانی که برای متهم قابل فهم باشد
۲۳۴	گفتار پنجم - حق داشتن سکوت (مصونیت از خوداتهامی)
۲۳۴	بند یکم - تعاریف و کلیات
۲۳۴	بند دوم - مبنای حق سکوت
۲۳۷	بند سوم - تکلیف ضابطان در اعلام حق سکوت
۲۳۸	بند چهارم - حق سکوت و قاعده میراندا
۲۴۲	گفتار ششم - حق منع سؤالات مبهم و نامفهوم
۲۴۲	گفتار هفتم - حق منع سؤالات تلقینی (سؤالات دیکته شده ممنوع)
۲۴۴	گفتار هشتم - حق منع اغفال شهروندان
۲۴۵	گفتار نهم - حق اخطار به متهم که مواظب اظهارات خود باشد
۲۴۵	گفتار دهم - حق نوشتن مشخصات بازجویی کننده و زمان و مکان بازجویی

۲۴۵	گفتار یازدهم - حق منع نوشتن بین سطور اوراق بازجویی
۲۴۶	گفتار دوازدهم - حق نوشتن پاسخ سوالات
۲۴۷	گفتار سیزدهم - حق رعایت موازین شرعی در بازجویی از متهم زن و ضرورت استفاده از پلیس زن
۲۴۷	گفتار چهاردهم - حق منع بازجویی در حالت جرم غیرمشهود
۲۴۸	گفتار پانزدهم - حق داشتن وکیل
۲۵۱	بند یکم - آیا پلیس ملزم به اعلام حق داشتن وکیل به متهم است؟
۲۵۲	بند دوم - حق دسترسی فوری متهم به وکیل و حق حضور وی در تحقیقات پلیسی
۲۵۵	گفتار شانزدهم - حق منع شکنجه و رفتارهای رنج آور و توهین آمیز
۲۵۵	بند یکم - تعاریف و کلیات
۲۵۵	الف - تعریف شکنجه و رفتارهای رنج آور و توهین آمیز
۲۵۷	ب - حق منع شکنجه و رفتارهای رنج آور و توهین آمیز از منظر قوانین و مقررات داخلی و اسناد بین المللی حقوق بشر
۲۵۹	بند دوم - مصدقین ممنوع از شکنجه و رفتارهای رنج آور و تحقیر آمیز
۲۵۹	الف - حق مصونیت از شکنجه های جسمی مستقیم
۲۶۰	ب - حق مصونیت از شکنجه های جسمی غیر مستقیم
۲۶۱	ج - حق مصونیت از شکنجه های روحی مستقیم
۲۶۲	د - حق مصونیت از شکنجه های روحی غیر مستقیم
۲۶۳	بند سوم - حق مصونیت از انجام آزمایش های غیرقانونی
۲۶۴	بند چهارم - جرایم ضابطان دادگستری در خصوص تخلف از مقررات بازجویی
۲۶۶	مبحث ششم - پلیس و حقوق شهروندان اتباع بیگانه
۲۶۷	گفتار یکم - پلیس و حقوق شهروندی اتباع بیگانه عادی
۲۶۷	بند یکم - حق آگاهی اتباع بیگانه بازداشتی از حقوق کنسولی
۲۶۷	بند دوم - حق ارتباط اتباع بیگانه بازداشتی با نمایندگان سفید نیک و کنسولی
۲۶۸	بند سوم - رویه های قضایی بین المللی
۲۶۸	الف - قضیه برادران لاگرانژ (دعوی آلمان علیه آمریکا)
۲۶۹	ب - قضیه اونا (دعوی مکزیک علیه آمریکا)
۲۷۰	گفتار دوم - پلیس و حقوق شهروندی اتباع بیگانه غیرعادی (واجد مصونیت)
۲۷۲	بندیکم - شناسایی پلیس دیپلماتیک و وظایف و اختیارات آن
۲۷۵	بند دوم - حقوق ناشی از مصونیت های دیپلماتیک در وظایف و اختیارات پلیس
۲۸۲	نتیجه گیری
۲۸۳	فصل چهارم - استانداردهای حقوق شهروندی در فرایند وظایف و اختیارات غیرقضایی پلیس
۲۸۴	مبحث یکم - حق احترام و تکریم متقاضیان خدمات پلیسی
۲۸۶	مبحث دوم - استانداردهای حقوق شهروندی در فرایند وظایف و اختیارات پلیس راهور
۲۸۷	گفتار یکم - شرایط قانونی ناظر بر وظایف پلیس راهور در رعایت استانداردهای حقوق شهروندی
۲۸۸	گفتار دوم - مصادیق استانداردهای حقوق شهروندی رانندگان در فرایند اجرای وظایف پلیس راهور
۲۸۸	بند یکم - حق ادای احترام به هنگام مطالبه قانونی مدارک مورد نیاز رانندگی
۲۸۸	بند دوم - حق ایمن سازی معابر به منظور تسهیل در عبور و مرور و برقراری امنیت ترافیکی

۲۸۹	بند سوم - حق رسیدگی فوری به تصادفات
۲۹۱	بند چهارم - حق جلوگیری از وقوع هرگونه خسارتی به وسیله نقلیه یا محموله آن به هنگام انتقال به بارکینگ
۲۹۲	بند پنجم - حق منع توقف وسیله نقلیه در معابر پرتراфик یا زمان اوج تراфик
۲۹۳	بند ششم - حق تشخیص صحیح و ثبت دقیق تخلف رانندگان متخلف
۲۹۴	بند هفتم - حق منع صدور برگه جریمه، توسط مأمورانی که تجربه کافی ندارند
۲۹۴	بند هشتم - حق حفظ حریم قانونی راه‌های کشور
۲۹۵	فصل پنجم - ساز و کارهای نظارت بر اجرای استانداردهای حقوق شهروندی در نظام حقوقی ملی و بین‌المللی
۲۹۶	مبحث یکم - ساز و کارهای تضمین رعایت استانداردهای حقوق شهروندی در حقوق داخلی
۲۹۶	گفتار یکم - نقش سازوکارهای نظارتی قوه قضاییه در پاسداشت حقوق شهروندی
۲۹۶	بند یکم - هیئت نظارت بر حقوق شهروندی به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۲۹۸	بند دوم - محکمه عالی اناندامت
۳۰۰	بند سوم - دیوان عدالت اداری
۳۰۲	بند چهارم - سازمان بازرسی کل کشور
۳۰۳	گفتار دوم - نقش سازوکارهای نظارتی مجلس در پاسداشت حقوق شهروندی
۳۰۵	گفتار سوم - جرایم علیه استانداردهای حقوق شهروندی در مرحله کشف جرم و تحقیقات پلیسی
۳۰۵	مبحث دوم - ساز و کارهای تضمین و نظارت بر رعایت استانداردهای حقوق شهروندی در حقوق بین‌الملل
۳۰۶	گفتار یکم - ارگان‌های وابسته به سازمان ملل متحد
۳۱۱	گفتار دوم - نهادهای مبتنی بر معاهدات بین‌المللی
۳۱۲	گفتار سوم - شورای اروپا
۳۱۳	گفتار چهارم - نهادهای غیرحکومتی طرفدار حقوق بشر
۳۱۵	نتیجه‌گیری
۳۱۹	پیوست‌ها
۳۶۳	منابع

پیش گفتار

تحقق عدالت کیفری همواره در طول تاریخ، آرزوی انسان‌های عدالت‌خواه بوده و هست. بدون تردید، عدالت کیفری که هدف هر دادرسی کیفری است، بدون برقراری محاکمه متصفانه‌ای که در آن حقوق شهروندی آزادی‌های متهم، محترم شمرده شود هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت. از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر، مفاهیم و معیارهای حقوق شهروندی است. این مفاهیم و معیارها که در اساس بین المللی و منطقه‌ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند، به ویژه بر قوانین و مقررات استوار بوده به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته‌اند. بارزترین جنبه چنین تأثیری، حقوق شهروندی یا تضمین‌های حقوقی متهم در برابر مراجع انتظامی و قضایی است. استانداردهای حقوق شهروندی، از مهم‌ترین مباحث حقوق بین الملل است و نقش محوری را در مباحث حقوق معاصر به خود اختصاص داده است. تا جایی که میزان رعایت آن از طرف کشورها سنجه‌ای برای اندازه‌گیری دموکراسی در آن کشورهاست. حقوق شهروندی و رعایت آن ریشه در تعالیم دین مبین اسلام و شرع مقدس داشته و آنچه در دستور بین المللی حقوق بشر و سایر مقررات بین المللی آمده است به نحوی سابقه طرح و بحث در فقه غنی اسلام دارد.

از طرفی جهانی شدن، شهروندی را به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. جهانی شدن و تحرک فزاینده مردم، مسائل جدیدی را پیش روی شهروندان و ملت قرار داده که دیگر با الگوهای موجود نمی‌توان به حل این مسائل پرداخت. پیشنهادی که در این خصوص ارائه می‌دهند آن است که تعریف شهروندی باید بر پایه تفکیک دولت از ملت باشد؛ به عبارت دیگر چنین نظریه‌ای باید پای خود را از بخش ملت در مفهوم دولت - ملت بیرون بکشد. چنین چیزی به معنای نوع جدیدی از دولت خواهد بود که دیگر به صورت عمده و انحصاری براساس پیوند میان اصل سرزمینی و تعلق، شکل نمی‌گیرد. براین اساس، شهروندی نباید به ملیت پیوند زده شود (این عقیده که شهروند به معنای فردی است که دارای خصوصیات فرهنگی مشترک است) بلکه شهروندی باید اجتماعی - سیاسی و بدون هرگونه ادعا نسبت به هویت فرهنگی مشترک باشد.

با فرض تحقق این امر، طبیعی است که جهانی شدن، استانداردهای حقوق شهروندی و به طور کلی ایجاد هرگونه نظام جهانی با چالش مهمی تحت عنوان نسبیّت فرهنگی روبه‌روست. تصور اینکه فرهنگ‌ها مجموعه‌ای از اولویّت‌ها، ترجیحات، اصول اخلاقی، انگیزش‌ها و ارزشیابی‌ها را نشان می‌دهند و از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر متفاوت هستند باعث می‌شود نتوان به آسانی نظامی جهانی و یکپارچه از حقوق را در عمل به اجرا درآورد (شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۰: ۸۶). طرفداران جهانی شدن حقوق معتقدند که بخشی از حقوق اساسی، برخاسته از طبیعت آزاد و مستقل انسان‌هاست و نمی‌تواند تحت عنوان تفاوت فرهنگ‌ها آنها را نادیده گرفت. می‌توان این حقوق را جهانی ساخت و حتی می‌توان به عنوان مثال نهادهایی تأسیس کرد که تضمین‌کننده حقوقی باشند که دولت‌ها را ملزم می‌تواند یا نمی‌خواهند آنها را تضمین کنند. از سویی دیگر قبول نسبیّت فرهنگی دستاویزی برای استمرار بخشیدن به استبداد حکومت‌های غیر دموکراتیک است و نتیجتاً نمی‌تواند گرفتن حقوق بنیادین شهروندان است. طرفداران نسبیّت فرهنگی، در مقابل معتقدند که برای مکر جهانی شدن حقوق، انگیزه‌های سلطه‌جویانه و امپریالیسمی وجود دارد و طبیعی است. در این میان کشورهای قدرتمندی هستند که ارزش‌ها و اولویّت‌های خود را تحت عنوان حقوق اساسی انسان، معرفی می‌کنند و لذا حقوقی که برای شهروندان تمام کشورها تحت عنوان حقوق بنیادین شهروندان در سطح جهانی معرفی و تجویز می‌شود حقوقی نیست که همه کشورها درباره آنها توافقی می‌تواند داشته باشند یا ارزش‌های آنان در آن منعکس باشد.

دستیابی به هدف اصلی حقوق کیفری که مبارزه علیه بزه‌کاری و حفظ نظم و امنیت و آسایش افراد جامعه است. بدون شناسایی و کشف جرم ممکن نیست. به موجب بند ۱ ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، در مقام ضابط دادگستری، تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی، در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و جمع‌آوری امارات و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، به موجب قانون اقدام و چرخ‌های عدالت کیفری را به حرکت در آورده و مبارزه عملی با جرم و مجرمان را تحقق می‌بخشد (رضوی، ۱۳۸۶: ۸۶ به نقل از محمود آخوندی، آیین دادرسی، ج ۱: ۵۳).

از بند ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب اردیبهشت ۱۳۸۳، بند ۱۲ به مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی اختصاص یافته است که نشان از توجه و تأکید دستگاه قضایی کشور به رعایت قانون و حقوق متهم در مراحل کشف و تعقیب و خصوصاً تحقیق و بازجویی دارد. پیچیده‌ترین و حساس‌ترین مرحله دادرسی، همین مرحله کشف

جرایم و تحقیقات پلیسی است. در این مرحله، روان‌شناسی و حقوق به شدت درهم می‌آمیزند. برخلاف مراحل دیگری که بیشتر بار حقوقی دارد، این مرحله عمدتاً بار روانی دارد. نمی‌توان بحث کشف جرم و حقوق شهروندی متهم را بدون پیوند عمیق با جنبه‌های روانی مورد بحث قرار داد، بلکه اساساً فلسفه حقوق شهروندی متهم در مرحله کشف جرم، جنبه‌های روان‌شناختی دارد. «این مرحله است که سرنوشت قضایی متهم را تعیین می‌کند. ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد یا به پای میز محاکمه بکشاند. توضیح آنکه، هر گاه در این مرحله، دلایل و قرائن کافی علیه متهم جمع‌آوری شود، با صدور قرار مجرمیت و متعاقب آن به صدور کیفرخواست، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه جزایی ارسال می‌شود، در غیر این صورت بر حسب مورد قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب صادر می‌گردد» (همان منبع: ۸۷ به نقل از هاشمی شاهرودی، مقاله شهروند محوری در عرصه عدالت: ۱۲).

پلیس در پیشانی حاکمیت دولت قرار گرفته است، وظیفه حفظ و امنیت در داخل کشور مأموریت خطیری است که به عهده پلیس گذاشته شده است. پلیس بخش مهمی از بدنه دولت را تشکیل می‌دهد، پیوندی سرمانی را با ارگانیک با دولت دارد و تمام اعمال رسمی آن به دولت منتسب می‌شود.

شهروندان به این واقعیت انس گرفته‌اند که حاکمیت دولت را در وجود پلیس متجلی ببینند. از سوی دیگر وظیفه‌ای که به پلیس محول شده است، وظیفه‌ای است که با استانداردهای حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی شهروندان ارتباط تام و کامل برقرار می‌کند. یعنی پلیس چه به لحاظ نوع مأموریت و چه به لحاظ امکانات و اختیاراتی که از آنها برخوردار شده است می‌تواند هم در راه حفظ استانداردهای حقوق شهروندی و آزادی‌های شهروندان کوشا باشد و هم می‌تواند در مقام نقض استانداردهای حقوق شهروندی نقش داشته باشد. انجام این پلیس در فرآیند کشف جرم و تحقیقات پلیسی، جمع‌آوری شواهد و دلایل ارتکاب جرم، احکامات عمل مجرمانه به متهمان و شناسایی و دستگیری متهمان، مبنای بسیاری از تصمیم‌ها و احکام قضایی را تشکیل می‌دهد. با این حال، تحقیقات پلیسی از سوی قانونگذار منوط به رعایت حقوق دفاعی متهم شده است و مأموران پلیس در انجام این مأموریت‌ها از آزادی عمل مطلق برخوردار نیستند. نقض مقررات و نادیده گرفتن موازین قانونی در انجام تحقیقات پلیسی، سلامت و اعتبار دادرسی کیفری را با ابهام روبه‌رو می‌کند. در دوران معاصر به حداقل رسانیدن موارد نقض استانداردهای حقوق شهروندی متهمان و افراد مظنون، در دستور کار بسیاری از نظام‌های توسعه یافته پلیس قرار گرفته است.

امروزه پلیس با روش‌های علمی به کشف جرم می‌پردازد و حتی در خصوص قتل، تحقیقات جنبه کاملاً فکری و ذهنی دارد و کشف جرم با استفاده از شیوه‌های سنتی متهم آزاری نیست. پلیس مانند یک عنصر محقق در قالب یک پروژه فکری به کار می‌پردازد و اگر به اندازه کافی دلایل جمع آوری کرده باشد، اقدام به بازرسی از منزل یا تحت نظر قرار دادن متهم می‌کند (همان منبع به نقل از محمد اعتدال، آیین دادرسی کیفری در نظام نوین قضایی ایران: ۷۳).

پلیس در کشورهای پیشرفته، دوره اقتدارگرایی خود را پشت سر نهاده و وارد دوره جامعه‌گرایی شده است. در این دوره پلیس در جهت برقراری یک رابطه نزدیک با افراد جامعه حرکت می‌کند، از این‌رو نیروی پلیس تعامل نزدیکی با افراد جامعه دارد؛ به آموزش و آگاه‌سازی آنان می‌پردازد و ایشان را در حل و فصل منازعات و اختلافات محلی یاری می‌دهد. طبق این رویکرد، پلیس باید همواره در دسترس مردم، مجاور با مردم و در تماس مستقیم و مستمر با شهروندان و مسائل آنان باشد. در همین رابطه برخی از نظام‌های پلیسی در صدد ایجاد تحول در مأموریت‌ها و اهداف پلیس و نیز تحقق بخشیدن به رویکرد پلیس شهروند محور بر آمده‌اند. تحول در رویکرد پلیس از یک نهاد مبارزه با جرم به یک نهاد ارائه‌دهنده خدمات امنیتی - انتظامی مورد نیاز مردم از جمله نمودهای این تغییر است. بازتاب این تحول را با خوب می‌توان در افزودن واژه خدمات به عنوان واحدهای پلیسی در کشورهای گوناگون مشاهده کرد.

پلیس سنتی با رویکرد سرکوبگری و با تأکید بر ایجاد امنیت در جهت تحقق یک جامعه «قلعه گونه» حرکت می‌کرد؛ اما در مقابل امنیت‌مداری پلیس سنتی، پلیس با رویکرد شهروندمداری مدعی حفظ حقوق شهروندی و احترام به حقوق و آزادی‌های فردی است؛ در این رویکرد با تأکید بر جنبه‌های کنشی نهاد پلیس، هدفی همچون حفظ امنیت به تدریج به حفظ نظم تبدیل شده و حقوق شهروندی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. در خصوص مبانی و تئوری این رویکرد در نظام پلیسی ایران می‌توان به قانون حقوق شهروندی اشاره کرد. تأکید بر احترام به شهروندان همان مقوله‌ای است که بیشتر حقوق‌دانان از آن به عنوان «پلیس شهروندمدار» یاد می‌کنند. «پلیس شهروندمدار» اصطلاحی است که در تأکید بر رعایت حقوق شهروندی در بستر سلامت کیفری مطرح شده است و این اصطلاح به‌طور دقیق ناظر به پلیسی است که با کسب مهارت‌های قبلی و آموزش‌های حقوقی، به ظرافت و حساس بودن وظایف خودش به عنوان ضابط به هنگام دستگیری، نگهداری و بازجویی مظنونان و متهمان و در تعامل با مردم آگاه است. اصطلاح شهروندمدار در قالب حقوق شهروندی است. در این میان حقوق شهروندی امری است که کرامت‌مداری را الگوی رفتار کارگزاران و مأموران پلیس قرار می‌دهد و این مقوله به سبب وظایف

ذاتی پلیس که بیشترین تماس با جامعه را داراست از اهمیت زیادی برخوردار می‌شود؛ چرا که نیروی انتظامی نخستین نهادی محسوب می‌شود که در جریان ارتکاب جرم و به تبع آن در معرض رعایت یا عدم رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان قرار می‌گیرد و اغلب نخستین مرجعی است که شکایت بره دیده و به طور کلی اعلام جرم در آن مطرح می‌شود.

بنابراین طبیعی است پلیس بیش از سایر کنشگران عدالت کیفری در معرض نقض تضمین‌های حقوقی و قضایی متهم و محکوم، و عدم رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان قرار گیرد. درواقع موفقیت پلیس در دو بُعد جلوگیری از نقض حقوق شهروندی توسط دیگران (تعهد به وسیله) و خودداری از تضییع حقوق آنان توسط کارکنان مجموعه نیروی انتظامی (تعهد به نتیجه) مستلزم شناخت حقوق شهروندی بوده و بی‌نیاز از معرفت به آن نیست. به عنوان مثال، تعهد پلیس برای انجام ندادن یک تعهد به نتیجه است، اما در راستای حفاظت از شهروندان و دستگیری متهمان تعهد به وسیله است، یعنی تلاش می‌کند ولی تضمین نمی‌کند.

به عبارت دیگر مسئولیت‌آرد ای حقوق شهروندی چیزی نیست که از طرف حاکمیت به مردم اعطا شود. حقوق شهروندی در نزد شهروندان واقعی، ثابت و محفوظ است و یکی از ویژگی‌هایی است که شهروندی با دارا بودن آن شکل می‌گیرد. حقوق شهروندی را دولت ایجاد نمی‌کند، بلکه باید آن را رعایت کرده و از آن حمایت شد و حتی آن‌ها که خود، این حقوق را نقض کرده است، جبران کند.

تعهدات بین‌المللی به لحاظ مفهوم به تعهدات بالاذن و بالتبعیه قابل تقسیم‌بندی است. در قسم اول متعهد هنگامی مسئول جبران است که مرتکب خطایی شده باشد مثل وکیل و پزشک. در برخی موارد در حقوق بین‌الملل تعهد از نوع قسم دوم است و نیاز نیست که تقصیرش اثبات شود همین که نتیجه محقق نشود دولت مسئول است. مثلاً در اجرای تعهدات حقوق بشری مستند به میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی که از نوع تعهدات بالتبعیه بوده معنایی به اثبات ندارد، در صورتی که پلیس در حین خدمت به هر دلیلی مرتکب نقض این گونه تعهدات بشود دولت به صورت خودکار واجد مسئولیت بین‌المللی خواهد شد. این دو نوع تعهد (تعهد به حمایت یا وسیله و تعهد به احترام یا نتیجه) هر کدام بار معنایی متفاوت دارند (تعهد به نتیجه، خودش ناقض نباشد) و دیگری تعهد به حمایت یا وسیله یعنی پلیس باید تلاش کند که دیگری این تعهدات را نقض نکند.

دراین رابطه احترام به متهم و شهروندان از اعتبار بیشتری برخوردار می‌شود و این اعتبار وقتی دو چندان می‌شود که نیروی انتظامی رویکرد «پلیس شهروندمدار» را سرلوحه برنامه‌های خود قرار

دهد؛ چرا که در آن صورت دیگر نیازی به توسل به روش‌ها، اقدامات و رفتارهای نامتعارف غیرانسانی و تحقیرآمیز نیست. این چیزی است که در قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» دیده می‌شود.

به موجب اسناد و موازین بین‌المللی حقوق بشر، رعایت موازین دادرسی عادلانه در فرایند تحقیقات پلیسی براساس تعهدات بین‌المللی دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر است. حمایت از افراد جامعه در برابر مداخله‌های غیرقانونی و خودسرانه مأموران پلیس و هدایت نیروهای پلیس به اجرای عادلانه و منصفانه وظایف شغلی، از جمله تعهدات لازم الاجرای دولت‌هاست.

مأموریت‌های پلیس تا حدود زیادی در کشورهای مختلف به‌ویژه در مقام ضابط دادگستری به‌طور یکسان است، و به نسبت اینکه مأموریت‌ها در مقام ضابط دادگستری به‌طور مستقیم با حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان در ارتباط است، عمدتاً توجه خاصی به این وظایف در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر شده است.

در حال حاضر در جامعه بین‌الملل، موازین بین‌المللی حقوق بشر به استانداردهای جهانی بدل شده است و پلیس استاندارد، پاسی است که بتواند وظایف و مأموریت‌های خودش را با این استانداردها و هنجارها منطبق کند.

استناد به قواعد عام به منظور حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و استناد به قطعنامه‌ها و اسناد خاصی که مختص پلیس است، از حقوق و آزادی‌های فردی در فرایند تحقیقات پلیسی به‌ویژه در مراحل دستگیری و بازداشت، تحقیق و بازجویی و تفتیش و بازرسی، حمایت به‌عمل می‌آورد. زمانی قائل به مصونیت پلیس بودند، پلیس باید بدون دغدغه، نگاهی به انجام مأموریت خود بپردازد، اما الان برعکس، دیگر صحبت از مسئولیت دولت از طریق پلیس نیست. این یک فرآیند تاریخی است که نباید از آن غافل شد.

با توجه به موارد مذکور شایان ذکر است در تمام اسناد و مقررات ملی و بین‌المللی که تاکنون درخصوص حقوق شهروندی وضع شده است، این اتفاق نظر وجود دارد که بشر از حقوق و آزادی‌هایی برخوردار است که باید الزاماً و به گونه‌ای مؤثر از آن حمایت شود و دولت‌ها موظفند در صورت نقض این حقوق، تدابیر مطمئنی برای احقاق حقوق افراد فراهم آورند. استقرار نظم عمومی در یک جامعه پیشرفته محتاج به قوانینی است که محتوای آن با معیارهای صحیح سنجیده شده و شایستگی و توان پاسداری از نظم جامعه را داشته باشد. در میان انبوه مقررات، قوانین کیفری به‌طور قطع و بالاخص مقررات مربوط به دادرسی کیفری نقش عمده‌ای در بقا و دوام نظم جامعه ایفا می‌کنند. کشف جرایم و در عین حال ممانعت از صدمه به حقوق شهروندی متهمان و نیز

حفظ حیثیت افراد شریف و پاکدامن و جلوگیری از صدور محکومیت‌های ناروا که از اهم اهداف آیین دادرسی کیفری است، همه ارتباط دقیق با نظم جامعه داخلی و همچنین بین‌المللی دارد. مقررات آیین دادرسی کیفری که ناگزیر از تغییر و تحول دائمی و انطباق آن با جامعه‌ای پیشرفته و متمدن است، باید متضمن قواعدی باشد که اجرای عدالت را در سطح تمدن جهانی عصر حاضر تأمین کند. قوانین آیین دادرسی کیفری، وقتی از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است که بتواند بین دو حق، یعنی حق جامعه که از جرم متضرر شده از یک سو و حق انسانی که فعلاً به عنوان متهم شناخته شده است از سوی دیگر تعادل ایجاد کند (همان منبع: ۹۰ به نقل از محمد آشوری، ج ۱، ۱۳۸۶: ۳۷).

امروزه فواید آیین دادرسی کیفری در بسیاری از کشورهای جهان در جریان اصلاح و تغییرات اساسی قرار گرفته است. این اصلاحات عمدتاً ناظر به اصول حاکم بر آیین دادرسی و رعایت حقوق شهروندی متهمان است. هر چند عواملی که باعث این تحول در نظام کیفری می‌شود متعدد است، اما در اصل یک هدف مشترک در آن دیده می‌شود، که عبارت است از تلفیق حقوق شهروندی با آنچه که عدالت کیفری مفید و مؤثر به آن نیاز دارد. در اعمال این هدف، نوع جرم تأثیری ندارد (همان منبع، نقل از آشوری، ۱۳۸۶: ۱۴۳). چنانچه فی‌المثل جرائمی از قبیل تروریسم یا جنایت سازمان یافته یا جرائم مواد مخدر از جهت پراهمیت‌اند ولی سرکوبی یا پیشگیری از فزونی آن به هر حال و به هر کیفیت باید با رعایت حقوق شهروندی انجام پذیرد.

لذا در این نوشتار به لزوم رعایت حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم و تحقیقات پلیسی توسط پلیس تحت دو بخش، مفاهیم و کلیات (بخش اول) و حقوق شهروندی در فرایند وظایف و اختیارات پلیس و ساز و کارهای ناظر بر اجرای آن (بخش دوم)، ترجیح به قانون اساسی، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ماده واحده احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی پرداخته می‌شود.